

## جستاری در ادب انتظار بر بنیاد تطبیق شعر امروز عربی و فارسی

دکتر حسن مجیدی<sup>۱</sup>

اعظم دلبری<sup>۲</sup>

چکیده

مسأله بنیادی این مقاله که نگارندگان با بررسی شماری از شعرهای مربوط به ادبیات انتظار از شاعران آیینی فارسی و عربی در پی پاسخ‌گویی به آن هستند چندی و چگونگی مشابهتها و تفاوت‌های تصاویر شعر انتظار، درونمایه‌های آن و بازتاب این تشابه و تفاوتها در آثار شاعران یاد شده است. برای این منظور پس از در آمدی بر اصل مقوله انتظار و نظر کردی به انتظار در ادیان مختلف، سروده‌هایی از شاعران ادب آیینی مورد بررسی قرار می‌گیرد و این آثار به تفکیک، در دو حوزه صورت و درونمایه مورد نقد واقع می‌شود. در بخش صورت به عمده‌ترین آرایه‌های موجود در این سروده‌ها که از بسامدی بالاتر نسبت به دیگر آرایه‌ها برخوردار هستند یعنی تشبیه و استعاره پرداخته می‌شود و عناوین عمده بخش درونمایه؛ اصل و نسب موعود، انعکاس اسامی و القاب وی در شعر عربی و فارسی، امت اسلامی و دوران غیبت، ظهور و انتظار فرج به شمار می‌روند. واژگان کلیدی: ادبیات آیینی، شعر انتظار، صورت، درونمایه، موسیقی.

۱. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری.

## درآمد

در تمام ادیان جهان، اعتقاد به وجود رهایی بخش و تشکیل جامعه‌ای که الگوهای معنوی بر آن حاکم باشد، از اهمیتی خاص برخوردار است. به همین دلیل، هریک از مبلغان و پیروان ادیان مختلف در پی اثبات دوستی و حقانیت موعود خود سخنانی بی‌شمار گفته و نوشته‌اند. انتظار در لغت به معنای «چشم داشت، ترقب و توقع و چشم به راهی است» (دهخدا، ۱۳۴۲ش:ص ۲۹۴).

«چشم داشت و چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن، آینده‌ای خوب یا بد، زشت یا زیبا مطلوب یا منفور» (هاشمی‌شهیدی، ۱۳۸۰ش:ص ۱۹۱).

در اصطلاح «انتظار حالتی است که از ترکیب ایمان به خدا و اعتقاد کامل به مبانی دین و اشتیاق و علاقه به ظهور رهبری الهی و آسمانی به وجود می‌آید و در درون شعله می‌کشد و آمال و آرزوهای انسانی و رفتار فردی و اجتماعی وی را دگرگون می‌سازد» (همان:ص ۱۹۲)

«مذهب انتظار، یک عامل فکری و روحی حرکت‌بخش، تعهدآور و مسئولیت‌ساز و بالاخره فلسفهٔ اعتراض به وضع موجود و نفی ارزشها و نظامهای حاکم در طول قرن است.» (شریعتی، بی تا:ص ۵۰)

اعتقاد به انتظار، اعتقاد به همان چیزی است که خداوند در قرآن کریم نوید آن را به تمام محرومان و مستضعفان جهان داده است و احادیث و روایات اسلامی نیز بر آن صحه می‌گذارد و آن تحقق جامعه‌ای است که عدالت و حقیقت بر آن حاکم است. جامعه‌ای عدالت‌پرور، بی‌ظلم و بی‌ریا، جامعه‌ای که همهٔ خواسته‌های انسانی در آن محقق می‌شود.

حال باید دید این انتظار که در اصطلاح به «انتظار فرج» معروف، و اعتقاد داشتن به وجود یک رهایی بخش است، باوری همگانی است یا فقط اختصاص به اسلام دارد؟

## ۱- موعود در ادیان مختلف

«همهٔ ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود و چون طبعاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و مانند احجار به سمت پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط اخلاقی و معنوی خاتمه دهد. پس ناچار روزی شخصیتی معنوی بلند پایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم، نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هر

دینی به صورت رمز به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیینهای دیگر توافق و هماهنگی دارد» (حکیمی، ۱۳۸۲ش:ص ۵۴).

این اعتقاد که وجه اشتراک همهٔ ادیان است، در هر آیینی با نامی خاص جلوه می‌کند. مثلاً آثار زردشتی از قبیل: اوستا، زند، جاماسب نامه، داتستان دینیک و زراتشت نامه سرشار از مطالبی دربارهٔ آخرالزمان و ظهور موعود است.

در آیین زردشت از موعودهایی سخن به میان آمده است که به «سوشیانت» معروف می‌باشند. این موعودها سه تن بوده‌اند که مهم‌ترین آنان و آخرینشان «سوشیانت پیروزگر» خوانده شده و این سوشیانت همان موعود است.

انتظار در آیین بودایی نیز مطرح است و موعود آنها بودای پنجم می‌باشد. در آیینهای هندوان هم از نجات بخش سخن به میان آمده است. در کتابی چون پورانا (purana) «شرحی مفصلی در بارهٔ دوران آخر عصر کالی (kali) یعنی آخرین دورهٔ قبل از ظهور دهمین آواتارای ویشنو درج شده است. مقصود از کالی، آخرالزمان است» (همان).

اما در اسلام به عنوان کامل‌ترین ادیان جهان، بحث انتظار و اعتقاد به وجود رهایی بخش نمودی روشن‌تر نسبت به دیگر ادیان دارد.

«انتظار فرج در اسلام و به ویژه در مذهب تشیع، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر(عج)، امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت خداوند، آرزوی رسیدن روزگار رهایی مستضعفان از چنگال مستکبران، تمام شدن دوران طاغوتیان و فتح و پیروزی نهایی مؤمنان و آغاز حکومت صالحان تا پایان جهان است» (هاشمی‌شهیدی، همان: ص ۱۹۱).

در این عرصه علمای دینی آیاتی را به ظهور حضرت مهدی (عج) و نجات بخشی ایشان تفسیر و تأویل کرده‌اند.

برای نمونه در سورهٔ قصص چنین آمده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵) «و ما می‌خواهیم بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشیده شده‌اند منت نهیم و نعمت دهیم و ایشان را پیشوا و وارث گردانیم.»

در این آیه ظهور حضرت مهدی (عج) منتی است که بر مستضعفان جهان گذاشته می‌شود و عامل مهم در راستای سروری آنان و مقدمه‌ای برای دستیابی خلافت الهی بر روی زمین است.

و یا در آیات دوم و سوم سوره بقره می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» «این کتاب است که شک در آن روا نیست. راهنمای پرهیزگاران است. همان کسانی که به غیب ایمان دارند...»

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید: «متّقین» شیعیان علی ابن ابی‌طالب هستند و «غیب»، «حجّت غایب است.» و در حدیثی دیگر در همین رابطه آمده است که فرمود: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» در حق کسانی است که به قیام حضرت قائم (عج) ایمان بیاورند و آن را حق بدانند. آنچه از این احادیث استفاده می‌شود این است که مقصود از متّقین، همان مؤمنان به حضرت مهدی (عج) می‌باشد و «غیب» خود آن حضرت است، زیرا غیب چیزی است که از حواس پنج‌گانه پنهان باشد و همان‌گونه که خداوند و جهان آخرت غیب محسوب می‌شود - به دلیل این که با حواس پنج‌گانه درک نمی‌شود - حضرت مهدی (عج) نیز غیب است چرا که آن حضرت در زمان غیبت با رؤیتی عمومی که به واسطه آن شناخته گردد، دیده نمی‌شود. «هاشمی شهیدی، همان: ص ۲۴۹) تعداد احادیث وارده نیز آن قدر زیاد است که بیان همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد و از میان انبوه این احادیث به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود:

امام صادق (ع) از نام و کنیه مهدی (عج) خبر می‌دهد و ظهور ایشان را در آخر الزمان می‌داند: «الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْمَهْدِيُّ، اِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ اَبُو الْقَاسِمِ وَيَخْرُجُ فِي اَخْرِ الزَّمَانِ.» «خلف صالح از فرزندان من همان مهدی است که نام او محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم است و در آخر الزمان ظاهر می‌شود» (همان: ص ۱۹۹)

## ۲- درون مایه

درباره حضرت مهدی (عج) اشعار بسیار سروده شده است که با توجه به کثرت این اشعار و همچنین عشق و علاقه خاص شاعران نسبت به ولی الله الاعظم، طبعاً موضوعات مطرح شده در این گونه اشعار هم، متعدد خواهد بود.

### ۲-۱: اصل و نسب حضرت مهدی (عج)

درباره اصل و نسب ولی عصر (عج) اشعار فراوان سروده شده است. عالم بزرگوار سید حسن میر جهانی در قصیده‌ای ایشان را هم نام جدشان محمد (ص) و همچنین هم کنیه پر مجد و شکوه

پیامبر(ص) می‌دانند و بیان می‌دارد که پدر دانشمند ایشان امام پاک، کنیه‌شان ابومحمد و اسم ایشان حسن(ع)، پسر علی النقی العسکری(ع) و ایشان پسر محمد تقی(ع) پاک و مطهر هستند:

کان سَمیَّ جَدّه محمد	و هكذا کنیة الممجد
والده الحبر الامام الممتحن	ابو محمد هو اسمه الحسن
ابن علی النقی العسکری	ابن التقی الطاهر المطهر

(میرجهانی طباطبایی، ۱۳۸۸ش:ص ۱۷۸)

و در جایی دیگر از همین قصیده مادر ایشان را بانویی رومی، پاک، مطهر و از نسل شمعون که سفارش شده حضرت عیسی (ع) هستند، می‌داند و بیان می‌دارد که نام پدر این بانوی بزرگوار یسوعا و نام پدر بزرگشان قیصر بوده است:

و امّه ملیکة رومیة	طیبة رضیة مرضیة
ولیده من نسل شمعون الصفا	وصی عیسی من بعده وفی
والده کان اسمه یسوعا	و جدّها بقیصر لیدعی

(همان:ص ۱۷۹)

همچنین سید رضا هندی دیوانی دارد که فقط به مدح و رثای اهل بیت عصمت و طهارت (ع) مربوط می‌شود و در آن درباره حضرت مهدی (عج) قصایدی زیبا سروده است. یکی از بهترین قصاید آن، قصیده صاحبیه است که در بیتی از آن حضرت مهدی (عج) را فرزند امام عسکری (ع) می‌داند و می‌گوید که نبی گرامی اسلام نیز از ایشان خبر داده‌اند:

هو ابن الامام العسکری محمد	بذا کله قد انبأ المصطفی الطهر
----------------------------	-------------------------------

(الخاقانی، ۱۴۰۸ق:ص ۱۰۲)

از آن جا که شعر فارسی به نسبت شعر عربی احساسی-عاطفی‌تر است و ذکر اصل و نسب و اسامی و القاب اثر را بیشتر به سمت نظم پیش می‌برد تا شعر، در آن کمتر به ذکر این موضوع پرداخته شده است.

## ۲-۲: اسامی و القاب حضرت مهدی (عج)

در میان شعرهای عربی اشعاری با موضوعات اسامی و القاب آن حضرت بسیار به چشم می‌خورد سید حسن میرجهانی طباطبایی ۳۶۵ لقب از القاب آن حضرت را به نظم در آورده که در اینجا

محض نمونه چند بیتتی از ارجوزه مفصلی که در این باره سروده، ذکر می‌شود. در این ابیات القاب ایشان چنین برشمرده شده‌اند:

و الخلف الصالح و الولیّ	القابسه القائم و المهدیّ
و المدرك المدیل والمنتم	الثائر المأمول والمعتم
و الوتر و الكرارّ والموتور	الفائز النازح والمبرور

(میرجهانی طباطبایی، همان: ۱۸۹-۲۰۱)

محمد جواد بلاغی نیز در قسمتی از قصیده خود ایشان را قائم، مهدی، واتر و وتر می‌نامند و بیان می‌دارند که القاب و اسامی ایشان از طریق احادیث ذکر شده و ما آنها را شناخته‌ایم:

و قد جاء فی الآثار عن كل واحد	احادیث یعیی من تواترها الحصر
تعرفنا ابن العسکری و أنّه	هو القائم المهدی و الواتر و الوتر

(نوری طبرسی، ۱۴۰۰ق:ص ۲۶۸)

همان‌گونه که پیشتر گفته شد ذکر اسامی و القاب نیز در شعر فارسی به چشم نمی‌خورد و بیش از آوردن نامها به تصویرها و تخیلات پرداخته می‌شود.

### ۳- امت اسلامی و دوران غیبت

بسامد شعرهایی که با محوریت غیبت سروده شده است نیز بالا است. سید حسن میرجهانی در ارجوزه‌ای بیان می‌دارند که ایشان از نظرها مخفی هستند و این اختفا به امر پروردگار است و حکمت فراوان دارد که بر صاحبان بصیرت مخفی نیست و این که ایشان دو غیبت دارند یکی غیبت صغری و دیگری غیبت کبری:

لکنه اختفی عن الابصار	بامر ربّه العلی الباری
و حکمه اختفائه کثیرة	غیر خفی لاولی البصیره
کان له فی الدهر غیبتان	کلتاهما للناس حسنیان
الغیبة الصغری و اخری الکبری	ذکرهما لتنفعن الذکری

(میرجهانی طباطبایی، همان: ص ۱۸)

همچنین علامه سید محسن امین (۱۳۷۱ ه. ق) در ابیاتی بیان می‌دارد که دوستان از ما دور شده‌اند و از فراق ایشان در دل آتشی افروخته و آب دیدگان خاموش کننده آتش درونم نیست هر چند نهر باشد و دوری دوستان سوز و گدازی را در من به ارث گذاشته که اندرونم چون دیگ جوش آمده می‌خروشد:

و فی الخدّ من دمعی لبینهم غمرٌ	نأوا و بقلبی من فراقهم جمرٌ
لهیب الحشی منی و لو أنه نهرٌ	و لست اری المدامع مطفیاً
توزّ الحشا منها کما ارتّ القدر	و اورثنی بعد الاحیة لوعةً

(نوری طبرسی، همان: ص ۲۷۳)

این نکته، مسأله‌ای نیست که فقط دل مشغولی شاعران عربی سرا باشد در میان شاعران متعهد فارسی نیز به صورت یکی از مضامین اصلی سرایش در آمده است:

به ژرف چشمها بیزارای و کین	ریا برگرد دلها بسته پر چین
شرف در کنج غم عزلت گزیده	نهال مردمی از بیخ چیده
چراغی نیست خود این هم دروغ است	چراغ راستی هم بی فروغ است
ز خوبی گفته‌ای در گوش مانده	فروغ ایزدی خاموش مانده

(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳ش: ص ۱۳۰)

دوران به کام کلاغان آتش به جان هزاران	آهنگ ماندن نداریم با این خانمان سوز
---------------------------------------	-------------------------------------

(وحیدی، ۱۳۸۴ش: ص ۷)

#### ۱-۴ ظهور و انتظار فرج

موضوعی دیگر که در شعر عربی امروز بسیار به آن پرداخته شده است، انتظار فرج و نکاتی درباره آن است. شیخ محمد حسین اصفهانی حضرت مهدی (عج) را نهایت و غایت آرزوها می‌داند و می‌پرسد که چه موقع می‌خواهی در وادی منی فرود آیی؟ و ایشان را درخت عظیم الشأن مجد و بزرگی می‌داند و می‌گوید چه موقع خواهیم دید که میوه‌های پاکیزه این درخت رسیده و آماده چیدن است:

یا غایة الامال یا اقصی المنی	نهضاً متی تحل فی وادی منی
یا دوحه المجد العظیم شانها	لهفی لها تقطعت اغصانها

متی نراهها والفظوف دانیة  
متی نراهها و الثمار زاکیة  
(اصفهانی، ۱۴۱۵ق:ص ۱۲۵)

شیخ عبد الغنی الحر(۱۳۵۸ه. ق) نیز در دومین قصیده دیوان خود در ابیاتی مهدی(عج) را به پناهگاه عزت و بزرگی تشبیه می کند و می گوید که بر من سخت است که تورا نمی بینم و نمی توانم در سایه پرچمت باشم و ندای تو را لیبیک گویم:

و عزیز علیّ یا کھف عزّ  
و عزیز علیّ ان لست القی  
و عزیز علیّ ان لم اناد  
اننی لا اکون من شهداکا  
مستظلا نشرًا بظل لواکا  
بنداء به البی نداکا  
(الحر العاملی، ۱۴۰۳ق:ص ۲۲)

همچنین آیت الله سید محمد هادی میلانی (با شور و اشتیاق به ظهور شکوهمند و عالم گیر مهدی(عج) خطاب به آن حضرت می گوید: تا کی انتظارت را بکشیم در حالی که ظلم همه جا را فرا گرفته و تا کی دوری و اندوه و دل تنگی ادامه دارد؟

إلامّ انتظارک یا ابن حسن  
إلامّ نھیرو حتی متی  
و قد اظلم الکون داجی الفتن  
بطول الندی و ندادی  
(الهامی، ۱۳۷۲ش:ص ۸)

این انتظار در شعر شاعران فارسی زبان نیز یکی از عمده ترین مسایلی است که به آن پرداخته می شود درون مایه با همان مضامین شعر عربی مشترک است، اما تفاوت در فرمی است که این درون مایه به خود می گیرد. تصاویر شعر فارسی برخلاف شعر عربی که بیشتر بر پایه تشبیه می چرخد به شکل استعاره های گوناگون و آرایه های لفظی نمود می یابد:

نشسته دیده مستضعفان دهر به خون  
تو نور صبحی و پایان انتظار بی  
(کاشانی، ۱۳۷۳ش:ص ۷۴)

نازنینا نفسی اسب تجلی زین کن  
که زمین گوش به زنگ است و زمان چشم به راه  
(اخلاقی، ۱۳۷۸ش:ص ۴)

تو هستی مثل فروردین و من فصل زمستانم  
مرا سرشار کن با خنده هایت ای بهار امشب  
(وحیدی، ۱۳۸۴ش:ص ۱۳)



## ۵- موسیقی

موسیقی در لغت به معنای «فن ترکیب اصوات (است) به نحوی که به گوش خوشایند باشد» (معین، ۱۳۷۸ش: ج ۴، ص ۴۴۳۵).

و به عنوان یکی از عناصر مهم درون متنی شعر عبارت است از: هارمونی آوایی و صوتی که در کلام پدید می‌آید. شعر سنتی، آزاد و شعر منشور هر کدام شگردهایی خاص برای ایجاد هارمونی به کار می‌گیرند (اعم از قافیۀ کناری، دورنی، بیرونی) ردیف و واج آرایسی و دیگر هماهنگیهای صوتی، موسیقی تولید می‌کند» (زرقانی، ۱۳۸۳ش: ص ۲۷).

## ۱-۵: موسیقی معنوی

موسیقی معنوی شامل مجاز، کنایه، استعاره، تشبیه، مراعات نظیر و جز آن می‌باشد. که در این مقاله به جهت مجال اندک، از این همه فقط به تشبیه و استعاره که به نسبت دیگر موارد بسامدی بالاتر دارد پرداخته می‌شود.

## ۱-۱-۵: تشبیه

یکی از آرایه‌های معنوی پر بسامد در شعر انتظار تشبیه است. تشبیه به خورشید در این اشعار بسیار به چشم می‌خورد، همچون این بیت از محمد باقر فقیه ایمانی (۱۳۷۰ه. ق) که در آن، حضرت به نور خورشیدی که از پشت ابرها می‌درخشد تشبیه شده‌اند که با وجود آن ستاره‌ای طلوع نمی‌کند:

کنور شمس فی السحاب لامعاً      لا معها نجمٌ یبین طالِعاً

(فقیه ایمانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۲۴)

و نیز محمد جواد بلاغی (۱۳۵۲ه. ق) در بیتی از قصیده خود آن حضرت را به خورشیدی که ابرها او را در بر گرفته‌اند تشبیه می‌کند و می‌گوید که خشکی و دریا از نور آن روشن هستند:

و ها هو بین الناس كالشمس ضمها      سحابٌ و منها یشرق البرّ و البحر

(نوری طبرسی، همان: ص ۲۶۷)

این نمود که آن حضرت به خورشید پشت ابر تشبیه شده‌اند برخاسته از حدیثی می‌باشد که امام زمان (عج) آن را در ضمن تویح مبارک خود به اسحاق بن یعقوب بیان فرموده‌اند: «أَمَّا الْإِنْتِفَاعُ بِی

فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَتْهَا السَّحَابُ عَنِ الْأَبْصَارِ» (پور سیدآقایی، ۱۳۸۰ش: ص ۳۰)

توصیفات از این دست را در شعر شاعران فارسی نیز می‌توان دید نمونه‌هایی مانند:

گدای در گه آن آفتاب پنهانم      که در مقابل او آفتاب شرمنده است

(براتی پور، ۱۳۸۳ش:ص ۱۰)

بی تو لبریز شده کاسه صبر      آفتابی و پس پرده ابر

(همان:ص ۱۶۱)

البته تشبیه واقع شدن خورشید برای امام زمان همیشه با وجه شبه پشت ابر بودن نمی آید به عنوان مثال محمد حسین اصفهانی (۱۳۶۱ه. ق) ایشان را به خورشید چاشتگاه که از پشت عالم اسرار می درخشد تشبیه کرده اند:

اشرق کالشمس ضحی النهار      من مستسرّ عالم الاسرار

(اصفهانی، ۱۴۱۵ق:ص ۱۲۵)

۵-۱-۲: تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ نیز در این اشعار از بسامد بالایی برخوردار است.

۵-۱-۲-۱: تشبیه بلیغ اسنادی

تشبیهی است که در آن فقط مشبه و مشبه به ذکر می شود و به صورت جمله اسنادی می آید. میرجهانی طباطبایی (۱۴۱۳ه. ق) در بیتی از قصیده خود می گوید که خال آن حضرت در گونه نورانش ریزه های مشک و عنبر است.

و خاله فی خده المنور      فتاه مسک فی رضاض عنبر

(میر جهانی طباطبایی، همان:ص ۱۸۷)

سید محسن امین (۱۳۷۱ه. ق) نیز در بیتی از قصیده راثیه خود بیان می دارد که چهره ایشان و روشنی جبین ایشان همچون خورشید می درخشد و زلف او همچون شب و سفیدی پیشانی او مانند ماه شب چهارده است:

و طلعتها شمس و صبح جبینها      و طرتها لیل و غرتها بدر

(نوری طبرسی، همان:ص ۲۷۵)

این گونه تشبیه در شعر شاعران فارسی هم مشهود است:

پری از طراوت پری از تفاهم      منم شاخه و برگ و بارم تو هستی

(وحیدی، ۱۳۸۴ش:ص ۳۲)

۵-۱-۲-۲: تشبیه بلیغ اضافی

تشبیهی است که در آن فقط مشبه و مشبه به ذکر می‌شود و یکی از آن دو مضاف الیه دیگری قرار می‌گیرد، همچون این بیت از میر جهانی طباطبایی که می‌گوید دندانه‌های آن حضرت از یکدیگر فاصله دارند و ایشان طاووس بهشتیان است:

افرق الاسنان بریق سنّة و آنه طاووس اهل الجنّة

(میر جهانی طباطبایی، همان: ص ۱۸۷)

و نمونه‌ای از شعر فارسی:

از بیشه زار عطرهاى تازه آید چون سرخ گل بر اسب رهوار بهاران

(حسینی، ۱۳۶۳ش: ص ۲۸)

۵-۱-۲: استعاره

استعاره نیز به وفور در این ابیات وجود دارد از جمله محمد حسین اصفهانی در بیتی، زبان مدح را از ذکر جلال ایشان عاجز و عقلاها را از جمالشان متحیر و شگفت‌زده می‌داند:

کلّ لسان المدح عن جلاله و ابهر العقول فى جماله

(اصفهانى، همان: ص ۱۲۶)

کاشف الغطاء (۱۳۷۳ه. ق) نیز در بیتی از قصیده رانیّه خود بیان می‌دارد که قصیده من دشمنان تو را درهم می‌درد در حالی که تیرهای ترس و وحشت بر جگرهای آنان اصابت می‌کند:

تمزّق من اعداک کلّ ممزّق و یمرق فى اکبادها الخوف والذعر

(نوری طبرسی، همان: ص ۲۵۶)

نمونه‌هایی از شعر فارسی:

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی ز سمت مشرق جغرافیایی عرفانی

(امین پور، ۱۳۷۲ش: ص ۸۷)

از نگاه ما که مشتاق نگاه گرم توست از چه پنهان ماندی ای خورشید جان پرور هنوز

(وحیدی، ۱۳۸۱ش: ص ۱۲۹)

آیا کسی بیدار خواهد ماند تا فردا که خورشید از دور می‌آید که تیغ از دست نامردان بگیرد

(وحیدی، ۱۳۸۴ش: ص ۴۹)

### نتیجه گیری

در گستره ادبیات جهان، کمتر آیینی است که موعود خود را از نظرگاه ادبیات و تصاویر هنری مورد تبجیل و تمجید قرار نداده باشد. در این میان با توجه به اشتراک موعود شاعران عربی و فارسی سرای شیعه، ویژگیهای موعود در شعر این شاعران می تواند نمونه ای کوچک از عرصه بزرگ شعر آیینی باشد و از بررسی مصداقهایی که در این مقاله آمد، می توان گفت در شعر انتظار، تصاویر متعدد و متنوعی با محوریت یک شخص آرمانی واحد، خلق و ارائه می شود که در بسیاری موارد اشتراکی ناگزیر در آن وجود دارد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.

۲. اخلاقی، ذکریا، (۱۳۷۸ش)، تبسمهای شرقی، انتشارات حوزه هنری، تهران.

۳. اصفهانی، محمد حسین، (۱۴۱۵ق)، *الانوار القدسیة*، مصحح شیخ علی نهاوندی، چاپ اول، مدرسه معارف اسلامی، قم.

۴. امین پور، قیصر، (۱۳۷۲ش)، *آینه‌های ناگهان*، سراینده، تهران.

۵. براتی پور، عباس، (۱۳۸۳ش)، *دل و دریا*، انتشارات سوره مهر، تهران.

۶. پور سید آقایی، مسعود، (۱۳۸۰ش)، *پیدای پنهان*، چاپ سوم، انتشارات حضور، قم.

۷. الحر العاملی، شیخ عبد الغنی، (۱۴۰۳ق)، *دیوان*، چاپخانه اسلامی، تهران.

۸. حسینی، سید حسن، (۱۳۶۳ش)، *هم صدا یا حلق اسماعیل*، انتشارات حوزه هنری، تهران.

۹. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۲ش)، *خورشید مغرب*، انتشارات دلیل ما، قم.

۱۰. الخاقانی، علی، (۱۴۰۸ق)، *شعراء الغری*، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.

۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۲ش)، *لغتنامه*، انتشارات دانشگاه، تهران.

۱۲. زرقانی، سید مهدی، (۱۳۸۳ش)، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، انتشارات ثالث، تهران.

۱۳. شریعتی، علی، (بی تا)، *انتظار، مذهب اعتراض*، بی نا، بی جا.

۱۴. عبداللهی، حسن، (۱۴۱۹ق)، *سیمای امام مهدی (عج) در شعر عربی*، چاپ اول، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.

۱۵. فقیه ایمانی، محمد باقر، (۱۴۱۲ق)، *مطلع الانوار فی ذکر الامام الغائب عن الابصار*، چاپ اول، چاپخانه سعید، بی جا.

۱۶. کاشانی، سپیده، (۱۳۷۳ش)، *سخن آشنا*، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

۱۷. معین، محمد، (۱۳۷۸ش)، *فرهنگ فارسی*، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.

۱۸. موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۶۳ش)، *چمن لاله*، انتشارات زوار، تهران.

۱۹. میر جهانی طباطبایی، سید حسن، (۱۳۸۸ش)، *الدرر المکنونة فی الامام و الامامة و صفاته الجامعة*، مکتبة الصدر، تهران.

۲۰. نوری طبرسی، حاج میر حسین، (۱۴۰۰ق)، *کشف الاسرار*، چاپ سوم، چاپخانه خیام، قم.
۲۱. وحیدی، سیمیندخت، (۱۳۸۱ش)، *هشت فصل سرخ و سبز*، انتشارات برگ زیتون، تهران.
۲۲. وحیدی، سیمیندخت، (۱۳۸۴ش)، *این قوم ناگهان*، انتشارات سوره مهر، تهران.
۲۳. هاشمی شهیدی، سید اسد الله، (۱۳۸۰ش)، *ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام*، انتشارات مسجد جمکران، قم.
۲۴. الهامی، داود، (۱۳۷۲ش)، *آخرین امید*، انتشارات مکتب اسلام، قم.